قاب جوان
ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۲۶ مرداد ۹۸ ▪ شماره ۶۷۷



اصنافی: افرادی مثل خانم هاشمی که به ایران مهاجرت می‌کنند نزدیکی گفتمانی به گفتمان کلان انقلاب اسلامی دارند و به نظر من قابل قیاس با امثال مزدک میرزایی که با هدف پول یا مسائل دیگر به کشور دیگری مهاجرت می‌کنند، نیستند.

تحلیل محمدرضا اصنافی از مهاجرت چهره‌ها به رسانه‌های خارجی

شکست‌های از پیش معلوم!

زهرا دمزآبادی
خبرنگار

دکتر محمدرضا اصنافی از جمله کارشناسان جوان و مطرح حوزه رسانه و مدیریت رسانه است که پیش از این در موضوعات مختلف دیگر نیز سراغش رفته بودیم. مهاجرت مزدک میرزایی و ابعاد مختلف ماجرا موضوع گفت‌وگوی جدید ما با این کارشناس رسانه است چرا که ابعاد مختلف این مهاجرت و مباحثی که در مورد میرزایی مطرح می‌شود پر سر و صداتر از سایر افرادی است که به شبکه‌های خارجی پیوستند. از طرفی سر و صدای حضور بعضی از هنرمندان مهاجر ایرانی در شبکه‌های خارجی شایعات مختلفی را به وجود آورده و باعث شده دلایل مختلفی در رابطه با مهاجرت این افراد بیان شود. با این حال در کمتر مصداقی کارشناسان رسانه‌ای به ریشه‌یابی این ماجرا پرداختند و همین باعث شده قیاس‌ها و استدلال‌های مختلفی برای مهاجرت این افراد مطرح شود. حتی در بعضی موارد این افراد مهاجر را با مرضیه هاشمی مقایسه می‌کنند. ما هم برای بررسی همین حرف‌ها سراغ محمدرضا اصنافی رفتیم.

در ابتدا نظرتان را درباره مهاجرت مزدک میرزایی، گزارشگر با سابقه فوتبال که اخیرا هم دو قرارداد برای ساخت برنامه و مستند در رسانه ملی بسته بود، ولی با این اوصاف به شهر لندن و شبکه اینترنشنال مهاجرت کرد، بگویید؟

مهاجرت مزدک میرزایی بسیار غیرمنتظره بود و ما هنوز دلایل او را برای مهاجرت نشنیده‌ایم، اما این تصور شکل گرفته که بعضی‌ها فکر می‌کنند ستاره‌ها از جایی به بعد قابل کنترل نیستند و باید مدیریت شوند. شاید این تصورات باعث شده مزدک میرزایی با خود فکر کند که من از برخی مجری‌ها که بزرگ‌تر نیستم؛ پس می‌توانم پیشنهاد مالی خوب را انتخاب کنم و به شرایط حال حاضر ترجیح دهم.

با توجه به این‌که مهاجرت بسیاری از هنرمندان ما به خارج از کشور با شکست همراه بوده است، به چه دلیل باز هم بسیاری از این هنرمندان این ریسک را کرده و مهاجرت را تجربه می‌کنند؟

بحث مهاجرت هنرمندان در کل اشتباه است و من ابتدا شنیده بودم که آقای میرزایی آرشیوی را که برای ساخت مستند در اختیار داشته هم همراه خود برده است که خوشبختانه تکذیب شد اما به فرض صحت، دیگر نمی‌شد هیچ نگاه دلسوزانه‌ای به این موضوع داشت و کاری مجرمانه و خیانت در امانت رخ داده بود. مشکلات شخصی و لجبازی با بعضی افراد در تصمیم گیری هر فرد موثر است و من احساس می‌کنم مهاجرت میرزایی به نوعی لجبازی بوده است و فکر می‌کنم بقیه افرادی هم که این کار را انجام می‌دهند، در همین موقعیت قرار می‌گیرند.

آینده مزدک میرزایی را پس از مهاجرت او چطور می‌بینید؟

به نظر من مطلقا شکست می‌خورد؛ برنامه ورزشی ارتباط مستقیمی با معادلات میدانی کشور دارد و شما نمی‌توانید در انگلیس برای بازی‌های ایران محتوا تولید کنید و ساخت برنامه در کشوری دیگر می‌شود برنامه‌ای با محتوای کاریکاتوری استودیویی. شما نمی‌توانید گزارش میدانی بگیرید و با توجه به این‌که شبکه اینترنشنال شبکه‌ای ضدنظام است، نمی‌توانید با مربی و بازیکن ایرانی هم مصاحبه بگیرید.



عکس: عطا نیوز

دزدیدن آرشیو توسط مزدک میرزایی تکذیب شد اما اگر او آرشیو را با خود برده بود، امکان پیگیری قضایی و اقدام از طرف پلیس بین‌الملل وجود دارد؟

درباره این موضوع، باید متخصصان امور بین‌الملل نظر بدهند، ولی فکر می‌کنم بشود این کار را کرد. این مساله‌ای حقوقی است که پیش از این هم اتفاق افتاده که پیگیری نشده یا به نتیجه نرسیده است و این برای اولین بار نیست.

به نظرم در حوزه ورزش قطعا شکست خواهد خورد، مگر در برنامه‌ای دیگر با محتوای غیرورزشی حضور داشته باشد.

با این اوصاف، وظیفه رسانه ملی برای حفظ سرمایه‌های ملی و نیروهای انسانی خود چیست؟

مدیریت فرهنگی و رسانه‌ای کاری بسیار ظریف است؛ در عین این‌که شما باید به شخصیت آن ستاره احترام بگذارید، باید با او طوری رفتار شود که آن فرد بداند کارمند رسمی رسانه است و مدیریت این دو موضوع با هم کمی سخت است. نکته مهم این است که گاهی اوقات ما نمی‌خواهیم، بپذیریم ستاره‌ای که در رسانه ما بزرگ شده و در حال حاضر فردی معروف است، نباید رفتاری مانند قبل از معروف شدن با او داشته باشیم. متناسب با فردی که در رسانه بزرگ می‌شود، باید رفتار با او هم به‌روز شود.

پس به نظر شما هویت ستاره‌ها درست شکل نگرفته است؟

رسانه باید به ستاره‌های خود هویت بدهد و آن ستاره باید احساس کند هویت خود را از رسانه دارد و باید برای آن فرد حتی در زمینه شهرت او هم آورده‌ای داشته باشد. متاسفانه فضای رسانه‌ای ما تابع شرایط سیاسی است و در دولت‌های مختلف عملکرد رسانه‌ها متفاوت بوده است. به طور مثال فردی که پس از مدتی فعالیت در رسانه ملی در آنتن زنده حضور پیدا می‌کند، نیازی ندارد به شکل جزئی به او بگویند چه چیزی بگوید یا نگوید. چرا که خود او در این فضا رشد کرده و فهم او با انتظارات شما یکی است. متاسفانه گاهی این رفتارها باعث لجبازی یا دلخوری آنها از رسانه می‌شود.

به نظر شما خبرنگارانی مانند مرضیه هاشمی که از کشورهای خارجی به ایران مهاجرت می‌کنند و در شبکه پرس‌تی‌وی حضور دارند، با موضوع مهاجرت مجریان و برخی از هنرمندان ایرانی به رسانه‌هایی مثل ایران اینترنشنال قابل قیاس هستند؟

افرادی مانند مرضیه هاشمی، اعتقادی مهاجرت و ایدئولوژیک به این موضوع نگاه می‌کنند، ولی از امثال مزدک میرزایی که یک گزارشگر ورزشی است، نمی‌توان انتظار داشت نگاه ایدئولوژیک داشته باشد. افرادی مثل خانم هاشمی که به ایران مهاجرت می‌کنند نزدیکی گفتمانی به گفتمان کلان انقلاب اسلامی دارند و به نظر من قابل قیاس با امثال مزدک میرزایی که با هدف پول یا مسائل دیگر به کشور دیگری مهاجرت می‌کنند، نیستند.

پس به نظر شما حضور خبرنگاران خارجی که نزدیکی گفتمانی به گفتمان کلان انقلاب اسلامی دارند، در ایران اتفاق خوبی است؟

بله، یکی از هنرمندی‌های ما این است که امثال مرضیه هاشمی را جذب کنیم تا به ایران بیایند، ولی کسی مانند مزدک میرزایی که با هدف پول مهاجرت کرده، به یقین اشتباه کرده و به زودی متوجه اشتباه خود خواهد شد. به طور مثال اگر مجری خانمی به کشورهای غربی مهاجرت کند، در نهایت از جذابیت‌های ظاهری آنها استفاده می‌شود، ولی حضور گزارشگر مرد در کشور دیگر بسیار تصمیم اشتباهی است.

در پایان توصیه شما به امثال مزدک میرزایی که هنوز در کشور ما فعالیت می‌کنند و روزی در موقعیت تصمیم گیری او قرار می‌گیرند، چیست؟

مهم این است که ستاره‌ها در موقعیت‌ها هوشمندانه رفتار کنند. این ستاره‌های حرفه‌ای هستند که می‌مانند. فردی مانند رضا رشیدپور چند سال ممنوع‌التصویر بود، ولی بالاخره توانست سه برنامه را همزمان در رسانه اجرا کند که نشان‌دهنده رفتار حرفه‌ای آن فرد و صبوری او بود.